



رئیس‌جمهوری در مرقد امام(ره):

مردم تصمیم گرفتند همه به قطار انقلاب بازگردند

گروه سیاست: رئیس‌جمهوری روز گذشته به همراه اعضای هیئت دولت یازدهم در نخستین برنامه‌های خود پس از پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری و بعد از دیدار با مقام معظم رهبری با حضور در مرقد مطهر امام خمینی(ره) با آرمان‌های بنیان‌گذار کبیر...

صفحه ۷

چهارشنبه ۳ خرداد ۱۳۹۶ • ۲۷ شعبان ۱۴۳۸ • ۲۴ می ۲۰۱۷

تنترها

آمار رأی ایرانیان مقیم خارج از کشور

صفحه ۱۹

چشم‌روشنی سرمایه‌گذاران خارجی به روحانی

صفحه ۴

۲۲ کشته و ۶۰ زخمی در انفجار سالن کنسرت

نُت سیاه

فینال لیگ اروپا تحت‌تأثیر انفجار «منچستر آرن»

صفحه ۸، ۱۸

تحلیلی از سعید حجازیان

۹ دستاورد دوم خرداد

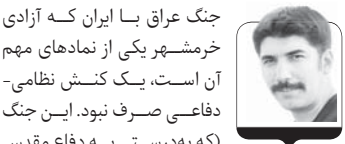


صفحه ۳

حرف اول

خرم‌شهر آزاد شد ولی...

سالار سیف‌الدینی



جنگ عراق با ایران که آزادی خرم‌شهر یکی از نمادهای مهم آن است، یک کنش نظامی-دفاعی صرف نبود. این جنگ (که به‌درستی به دفاع مقدس تعبیر می‌شود) آتش زیر خاکستری بود که مقدمات روحانی و سیاسی آن از دوره عبدالکریم قاسم در بغداد ریخته شد و درست‌تر آن است که از آن به یک «جنگ تمدنی» تعبیر شود؛ زیرا تقریباً همه جهان عرب در این جنگ با صدام حسین و افکار و اعمال وی همراه بودند؛ هرچند ایران توانست از طریق سوریه، یک شکاف مهم در این اتفلا به وجود آورد. تفکر و ایدئولوژی حاکم بر حزب بعث و بخش‌های عمده‌ای از عرب‌گرایان منطقه، اصلاً با موجودیت تمدنی ایران در منطقه مشکل ذاتی دارد و هشت سال جنگ تحمیلی نمونه بارز آن است؛ اما ایرانی‌ها پس از پیروزی، به یک موضوع بسیار مهم کمتر توجه کردند و آن لزوم غلبه بر روح و انگیزه‌های معنوی‌ای بود که از پیش‌ران‌های این جنگ به شمار می‌رفت. جنگ صدام علیه ایران، جنگی با ماهیتی ایدئولوژیک بود. ایران توانست نهایت حاملان اصلی این ایدئولوژی را شکست دهد؛ بدون اینکه توجه لازم را به نفوذ خزنده اندیشه‌های خطرناک بعث در منطقه داشته باشد. صدام حسین با «محرره» خواندن خرم‌شهر و «خفاجیه» دانستن سوسنگرد، به این شهرها تاخت و در دوران اشغال نیز نام شهر را عملاً تغییر داد. اکنون سه دهه پس از پایان جنگ، محافلی نیمه‌رسمی در خوزستان ظهور کرده‌اند که مدافع همان ارزش‌ها هستند و متأسفانه گاهی تریبون‌های عمومی را نیز دستاویز این کار قرار می‌دهند. سال گذشته یکی از نمایندگان مجلس، ضمن بست‌نشینی در فرمانداری، از تلاش‌های پشت پرده‌اش برای تغییر نام‌های خرم‌شهر، سوسنگرد، ماهشهر، شادگان و آبادان به اسامی «بعثی» خبر داد و استدلال‌کرد مردم این شهرها خود باید نام شهرشان را انتخاب کنند! این استدلال سست که چون «عده‌ای» از مردم این منطقه عرب‌زبان هستند، پس باید نام عربی برای این شهرها انتخاب کرد، از هیچ اصل‌ی جز قواعد آتاریشیسم پیروی نمی‌کند؛ چرا هنگامی که نوبت دفاع از استان خوزستان در برابر دشمن وحشی بود، همه مردم ایران وظیفه داشتند از ذره ذره این خاک و مردم آن (فارغ از قومیت‌شان) دفاع کنند! آیا می‌توان استدلال کرد چون مردمی در این ناحیه حضور دارند، مشارکت خراسانی و مازندرانی در جنگ فاقد موضوعیت بود؟

ادامه در صفحه ۴



وضعیت جسمانی عیسی قاسم نامساعد است

یورش نیروهای امنیتی به منزل رهبر شیعیان بحرین

گروه جهان: «الدراز» و محل سکونت «شیخ عیسی قاسم» رهبر شیعیان بحرین، یک نفر را کشتند و ده‌ها نفر دیگر را زخمی کردند. به گزارش ایرنا، شبکه خبری المبادین روز گذشته اعلام کرد اطلاعات رسیده حاکی از بازداشت تعداد زیادی از تحصن‌کنندگان...

صفحه ۸

سال چهاردهم • شماره ۲۸۷۲ • ۲۰ صفحه • ۲۰۰۰ تومان

سرمقاله

بازنگری به جای بهانه‌جویی

صادق زیباکلام - استاد دانشگاه تهران



در دو دهه گذشته، سه انتخابات در کشور برگزار شد که اگر نگفته باشیم زنگ خطر را می‌بایستی برای اصولگرایان به صدا درمی‌آورد، دست‌کم باید آنان را به فکر فرومی‌برد. نخستین آن در دوم خرداد ۷۶ اتفاق افتاد؛ رأی ۲۰ میلیونی به رئیس‌جمهور منتخب، همه را غافلگیر و شگفت‌زده کرد. انتخابات دوم، در ۲۴ خرداد ۹۲ و سومین آن هم در اسفند ۱۳۹۴، نتایج تأمل‌برانگیزی به همراه داشت. نحوه رأی‌دادن مردم در این سه نمونه، به‌گونه‌ای بود که کم‌وبیش شکست غیرمنتظره‌ای را برای اصولگرایان به همراه آورد. آنچه در جمعه ۲۹ اردیبهشت اتفاق افتاد، چهارمین تجربه از این مجموعه بود. به نظر می‌رسد هیچ‌یک از این انتخابات‌ها چندان نتوانستند اصولگرایان را به خود بیاورند و باعث شوند آنها از خود سؤال کنند «جامعه ما را چه می‌شود؟» و چرا نسل‌های بعد از انقلاب، خیلی دل در گرو مهر و محبت با ما ندارند؟ در همه این موارد، به‌جای ریشه‌یابی و طرح این پرسش که چرا کسر درخور توجهی از جوانان، دانشجویان، اقشار و لایه‌های تحصیل‌کرده زنان و اقلیت‌های قومی ساکن شهرهای بزرگ، فرهنگیان و دانشگاهیان و این‌دست اقشار مانند گذشته از ما حمایت نمی‌کنند، با طرح مسائل جانبی چشمان خود را روی بسیاری از واقعیت‌ها بستند. جا داشت آنان بعد از انتخابات دوم خرداد ۷۶، این پرسش ساده را از خود می‌پرسیدند که چرا و چه شد که یک روحانی کمتر شناخته‌شده، توانست در برابر روحانی بیشتر شناخته‌شده و مورد حمایت بسیاری از بخش‌های رسمی، ۲۰ میلیون رأی بیاورد؟ در عوض سعی کردند با طرح مسائلی مانند «اصلاحات آمریکایی در مقابل اصلاحات اسلامی» و این‌دست مسائل، صورت‌مسئله اصلی را محو کنند. ناکامی در انتخابات ۲۴ خرداد ۹۲ را به پای موفق‌نبودن در رسیدن به «اجماع» روی یک نامزد نوشتند؛ بعد هم به‌جای تجزیه و تحلیل و پرداختن به سیاست‌های هشت‌ساله خود در دوران احمدی‌نژاد، همه انرژی خود را از یک طرف روی داستان مسائل بعد از انتخابات سال ۸۸ و از طرف دیگر روی ابراز «دلواپسی» پیرامون مذاکرات هسته‌ای با شش کشور قدرتمند دنیا که برای رفع تحریم‌ها علیه ملت ایران انجام می‌شد، گذاشتند. آنها از ناکامی خود در انتخابات مجلس دهم در اسفند ۹۴ هم درس نگرفتند و همه تلاششان این بود نشان دهند برخلاف وعده‌های دکتر روحانی، برجام هیچ دستاوردی به همراه نداشته است. از سوی دیگر، همه هم‌وغم آنان این بود که بگویند دولت یازدهم نتوانسته برای بی‌کاری و رکود گامی بردارد و فقرا، فقرتیر شده‌اند و فساد گسترش یافته و قس‌علی‌هذا، به بیان دیگر، در دو دهه گذشته، اصولگرایان سرگرم تاختن به مخالفان و منتقدان خود بوده‌اند؛ بدون آنکه ذره‌ای به انتقاد از خود بپردازند یا تلاشی ژرف‌تر به تغییر و تحولات عمیق سیاسی و اجتماعی جامعه بیندازند. این بار هم متأسفانه به نظر می‌رسد همان روال دو دهه گذشته در شرف تکرار است؛ چندان به نظر نمی‌رسد اصولگرایان تمایلی به بازنگری و انتقاد از خود داشته باشند. به‌جای پرداختن به این واقعیت که چه شد که روحانی آن رأی سنگین را آورد و اصولگرایان برای چهارمین بار، این واقعیت را مشاهده کردند، باز رفته‌اند سرفقت انتقاد از دیگران. به‌جای اینکه از خود بیرسند ما را چه می‌شود که اقشار و لایه‌های جوان‌تر و نسل‌های بعد از انقلاب از ما جدا شده‌اند، یک بار دیگر بر همان سبک و سیاق گذشته، ادامه می‌دهند. ادبیات آنها مانند گذشته است: «روحانی موظف است هرچه سریع‌تر در پرتو مدیریت جهادی با بی‌کاری، فقر و رکود مبارزه کرده و اقتصاد کشور را اصلاح کند!» روحانی موفق شود یا نشود آنچه می‌ماند ضرورت بازنگری اصولگرایان در نگاه و رویکرد سیاسی و اجتماعی خود است.

گزارش

در جلسه علنی روز گذشته مطرح شد

چمران: در و دیوار شورا دیگر ما را نمی‌خواهد

معصومه اصغری؛ شورای شهر تهران پس از سه هفته که تحولات انتخاباتی را پشت سر گذاشت، با همه «بیم» و «امیدها» روز گذشته تشکیل جلسه داد؛ درحالی‌که تقریباً تمام وقت جلسه به نطق‌ها و تذکرها و سخنرانی‌های تشکر و اعتراض اعضا گذشت. برخی از اصولگرایان ازجمله خود رئیس شورا به شمارش آرا اعتراض داشتند و برخی دیگر هنوز نمی‌توانستند باور کنند تمام اعضای یک فهرست رأی آورده‌اند. در پایان جلسه درحالی‌که کمتر از نیم‌ساعت از وقت قانونی باقی مانده بود، طرح صیانت از باغات و اراضی مزروعی شهر تهران در دستور کار قرار گرفت که از همان ابتدا اعضا تمایلی به ورود به بحث آن نداشتند و موضوع را به جلسه بعدی یا زمان دیگری موکول کردند.

رضا تقی‌پور، مجتبی شاکری، محسن پیرهادی و مهدی چمران ازجمله اعضای بودند که به شدت به نتایج انتخابات شوراها و عملکرد هیئت‌های نظارت و اجرایی اعتراض داشتند و در جلسه دیروز جزئیات پیگیری‌هایشان از مراجع قانونی را تشریح کردند.

از میان اظهارات این اعضا مجتبی شاکری با ادعای وقوع تخلفات گسترده در انتخابات شورای پنجم خواست مانند سال ۸۸ صورت‌جلسه شمارش آرای تمام صندوق‌ها در سایت فرمانداری منتشر شود. او برخی از اعضای اصلاح‌طلب شورا را نام برد و گفت: نه تنها فهرست خدمت، بلکه حتی برخی دوستان اصلاح‌طلب هم انتخاب نشده‌اند و نمی‌توان باور کرد که یک فهرست مشخص صدر

ادامه در صفحه ۱۷

برای درج تبلیغات خود در وبسایت روزنامه شارق با ما تماس بگیرید

دومین روزنامه پربازدید ایران در فضای مجازی

۸۸۱۹۳۹۷۹-۸۸۱۹۲۸۷۷

sharghdaily.ir

یادداشت

وزارت رفاه زیرساخت‌ها را فراهم کرده است نظام رفاهی ایران در نیمه راه

دولت، «منادی سیاست اجتماعی» و «متولی توسعه اجتماعی» کشور از یک طرف باعث تولید و نشر محتوای نظام رفاهی در سطوح نخبگان و کارشناسان و... شد و به‌همین‌سبب مقوله نظام چندانیه تأمین اجتماعی در سیاست‌های کلی ابلاغی، قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور و قانون برنامه ششم توسعه مد نظر قرار گرفت و از سوی دیگر رویکرد عزتمندانه در حوزه خدمات اجتماعی را به رسانه‌ها و مردم منتقل کرد؛ به‌نحوی‌که دیگر رویکردهای پوپولیستی و توده‌سنتایه‌ای که کرامت انسانی را برای ارائه خدمات اجتماعی به حراج می‌برد، کارساز واقع نشد و عرصه را به «نظام و تدبیر» و «رویکرد اعتدال و اعتلا» واگذار کرد.

در حال‌حاضر براساس تلاش‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مقدمات زیر فراهم شده است.

۱- گفتمان‌های «سیاست اجتماعی»، «توسعه اجتماعی»، «خیر جمعی» و رویکردهای عزتمندانه در ارائه خدمات اجتماعی علاوه بر اینکه در سطوح «تصمیم‌سازی» (نخبگان، کارشناسان، رسانه‌ها و...)، «تصمیم‌گیری» (قوای مقننه و هیئت وزیران) و اجرایی (هیئت دولت) جا افتاده است، در سطح جامعه و قاطبه مردم نیز این جریان‌سازی و گفتمان‌سازی تا حدود زیادی بسط و ترویج داده شده و نهادینه شده است.

۲- گفتمان رفاه و تأمین اجتماعی در منشور حقوق شهروندی و نیز در برنامه دولت دوازدهم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده است.

۳- زیرساخت‌های قانونی بر شکل‌گیری نظام نوین رفاه و تأمین اجتماعی ایران در قانون احکام دائمی توسعه و قانون برنامه ششم توسعه به وجود آمده است.

۴- زیرساخت‌های اجرایی لازم برای شکل‌گیری سپهر و منظومه‌ای هم‌راستا در حوزه رفاه و تأمین اجتماعی که به صورت یک پیوستار در نظام تأمین اجتماعی چندلایه (امدادی، حمایتی و بیمه‌ای) و چندسطحی (بایه، مازاد و مکمل) فعالیت کند، فراهم شده است. به عبارت دیگر پایگاه اطلاعات نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و سامانه و پنجره واحد خدمات رفاه و تأمین اجتماعی شکل گرفته. اطلس تفصیلی آسیب‌های اجتماعی استخراج شده و ایجاد وحدت رویه و استانداردسازی فعالیت‌های سازمان‌ها و صندوق‌های حمایتی و بیمه‌ای انجام شده است.

ادامه در صفحه ۴



علی حیدری*

عدالت اجتماعی یکی از مطالبات و آرمان‌های انقلاب اسلامی بوده و در غالب کارزارهای انتخاباتی مجلس و ریاست‌جمهوری گذشته مطرح شده است؛ اما هیچ‌گاه با این شدت و جدت که در انتخابات دور دوازدهم ریاست‌جمهوری شاهد آن بودیم، مقولات مرتبط با حوزه رفاه و تأمین اجتماعی مورد بحث قرار نگرفت. کاندیداها هرکدام به زبان خویش (هیجانی و تبلیغاتی یا براساس احکام قانونی و امکان‌پذیری عقلی و عملی)، با رویکردهای خود (توده‌سنتایه یا مبتنی بر عقلانیت و تدبیر) و... به مقولات رفاه و تأمین اجتماعی پرداختند و به هر تقدیر مردم رویکرد «اعتدال و اعتلا» را انتخاب کردند و نپذیرفتند که عده‌ای کرامت مردم را در گرو انجام وظیفه ذاتی حاکمیت از آنان بستانند. به عبارت دیگر تأمین حداقل کیفیت زندگی در زمینه معیشت و سلامت و تضمین سطح پایه خدمات در حوزه‌های امدادی، حمایتی و بیمه‌ای، جزء مأموریت‌ها و تکالیف ذاتی دولت است و «ملاک مشروعیت» متولیان آن است نه اینکه آن را «ابزار کسب مقبولیت» کنند. نکته درخور توجه دیگر این است که فعالیت‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در جریان‌سازی علمی و کارشناسی و گفتمان‌سازی فرهنگی و اجتماعی در چهار سال گذشته باعث شد مردم بتوانند قدرت انتخاب بیابند که آیا می‌خواهند یک خدمت را با حفظ احترام و عزت دریافت کنند یا اینکه آن را با به‌مسلم‌رفتن کرامت انسانی خود دریافت کنند؟ آیا می‌خواهند «توانا» (توانمندسازی)، «ماهر» (مهارت‌آموزی و ارتقای مهارت‌های زندگی) و «خوداتکا» (کارگستری و اشتغال عمومی) باشند یا مددجو؟ آیا می‌خواهند به صورت هدفمند و مبتنی بر عدالت و انصاف (مشارکت در تأمین مالی براساس توان و برخورداری از خدمات براساس نیاز واقعی) انواع فقر و محرومیت معیشتی، آموزشی، بیمه‌ای، شغلی، مسکن و... موجود در جامعه کاهش یابد یا اینکه می‌خواهند به صورت غیرهدفمند و غیرهوشمند و به طور یکسان مزایای نقدی بگیرند که منجر به ایجاد تورم و... می‌شود؟ فعالیت‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به‌عنوان «سخت‌گوی وجه اجتماعی» تصمیمات و اقدامات